



سال سوم، شماره ۱۱۱

پنجشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۶۰

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

قایق شکسته جمهوری اسلامی هر دم بیشتر به گل می نشیند

اقتصادی که بوجود آمد ما اشاره کرده و بعد از زمینه چینی فصل در خصوص معجزاتی که در جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته لذا آخره اظهار میدارد که وضع ذخیره ارزی بسیار خراب است و بنابراین "کمربندها را باید سفت کرد". او سپس طرحهای رژیم را برای رفع خطر از وضع کنونی توضیح میدهد. از جمله پیشنهادات دولت این است که کساولا کارخانجات باید میزان تولید کنونی خود را بین ۲۵ تا ۵۰ درصد پایین آورند. (توضیحا باید اضافه کرد که این پیشنهاد در حالی مطرح میشود که هم اکنون تولید اغلب کارخانجات در بهترین حالت به ۵۰ درصد ظرفیت کامل آنها نیز نمیرسد). این تصمیم حتی شامل صنایع غذایی هم میشود. مأمور رژیم علاوه اطلاع میدهد که دولت در نظر دارد برای هر کارخانه سهمی ارزی مقرر کند. مقدار این سهمیه باین ترتیب محاسبه خواهد شد که متوسط مصرف ارز هر کارخانه تولیدی در سه سال گذشته (۵۲-۵۱-۵۰) را محاسبه کرده و ۲۵ درصد از آن حد متوسط را بصورت سهمیه در اختیار کارخانه قرار میدهند تا بتوانند بخش ناچیزی از احتیاجات مواد خام و اولیهی خود را تهیه کنند و با اینکه میزان ارزی که توسط بانک مرکزی در اختیار مؤسسات تولیدی قرار خواهد گرفت براساس تعداد کارگران شاغل در آنها تعیین خواهد شد. نماینده رژیم در این سمینار در پاسخ به این سؤال که در صورت پایین آوردن تولید، پرداخت دستمزدها از چه منبعی تأمین خواهد شد بنا نهایت پیشروی ایران میکند که هر کارخانه که بودجهای برای پرداخت حقوق ندارد باید ۲۰ تا ۳۰ درصد حقوق کارگران و کارمندان خود را فعلا بصورت علی الحساب به آنان پرداخت کند و مابقی را به حساب طلب آنها از کارخانه منظور نمایند و هر کارگر که بقیه در صفحه ۲

ابعاد تنگنای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی هر روز بیشتر برملا شد و تلاش برای پنهان نگه داشتن آن مذبحانته بیشتر جلوهگر میشود. کمبود مایحتاج روزمره مردم اکنون به مرحلهی رسیدن که لایقشانی آن تحت عناوین مختلف "جنگ" و "احتکاک" و غیره دیگر امکان پذیر نیست. تشکیل صفهای طولانی برای تهیه گوشت، برنج و روغن و پیاز و... بالاخره صاحبان عوام فریب هیئت حاکمه را وادار کرده است که به نحوی بپایین کمبودها اذعان کرده و شرایط ذهنی برای ورود به شرایط سباهتری را که در آینده نزدیک در انتظار آنان است فراهم تر کنند. آنچه هنوز رژیم جمهوری اسلامی از پیمان آن طرفه میروند وضعیت ناهنجار و نابسامانی است که بخش اعظم صنایع از مدتها پیش به آن دچارند. با پایین آمدن سطح تولید کارخانجات روزی نیست که کارخانه و کارگاهی تعطیل نشده و کارگران و کارکنان آن به خیل بیگاران چند میلیونی نبینند. طبق اخبار ورشکستگی کارخانجات و پایین آمدن سطح تولید آنها تاکنون توسط نمایندگان رژیم رسماً تأیید نشده است. برعکس آنچه در روزی نامهای جبرمنوار به چشم میخورد همه حاکی از "موفقیتهای چشمگیر" هیئت حاکمه در این زمینه است. واقعات کفگان در پشت درهای بسته بازگو میشود و امت مسلمان هنوز صلاحیت آگاه شدن به این واقعات را کسب نکرده است.

چندی پیش (مهرماه ۱۳۶۰) سازمان صنایع ملی ایران از مدیریت کارخانجات مختلف برای تشکیل سمینار مهمی دعوت بعمل آورد. در این سمینار که اکثریت مدیران کارخانجات در آن شرکت داشتند، فردی بنام مرعشی یکی از اعضای شورای هماهنگی سازمان صنایع ملی ایران ضمن تشریح برنامههای اقتصادی رژیم به وضع نابسامان

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

قایق شکسته . . .

بقیه از صفحه ۱

کارمندی راهم که به این تصمیم اعتراض داشتند اخراج کند . در جلسه دیگری که چند روز پیش با شرکت یکی از مدیران کارخانجات هکی ازماون و وزیرصنایع تشکیل شده بود ، او بار دیگر ذمنا کرد که وضع نا بسامان صنعت مطلع است و در جواب نگرانی مدیران به تعطیل گشائنده شدن کارخانجات و بیگاری شدن کارگران پاسخ داد که همه کارخانجات کم بیش چنین وضعیتی دارند و دولت هنوز ارجح به بیگاری کارگران فکری نکرده است . البته این معاون وزیرصنایع از وضع راضی بود و معتقد بود که وضع هر روز بهتر از روز پیش میشود پس مدبر مزبور امیدواری میداد که "انشاءالله با رهنمودهای امام بزودی اوضاع خوب خواهد شد ." (لازم به تذکر است که این معاون قبل از اشغال این پست ، قاری قرآن بود فاست) هم اکنون در چندین کارخانه حدود سه ماه است که تحت توجهات امام حامی مستضعفین حقوق کارگران پرداخت نشده و پیش بینی میشود که با جلوگیری از ورود مواد اولیه به میزان کنونی در آینده ای نزدیک سایر کارخانهای تولیدی نیز به چنین وضعی دچار خواهند شد . زیرا اکنون که فقط سه ماهه منجمد گشایش اعتبار (برای ورود مواد مسرود مصرف کارخانجات) گذشته و بسیاری از بخشهای صنایع قادر به اداای فعالیت تولیدی نیستند و حتی اگر از همین امروز گشایش اعتبار جدید آغاز شده و ورود کالا آزاد شود ، بسا توجه به مدت زمان لازم برای تهیهی مواد و حمل آنها به ایران ، اینگونه کارخانجات حداقل عمده تعطیل خواهند شد . بی دلیل نیست که قداره بندهان رژیم موج جدید تهدید و ارطاب علیه کارگران را ترویج کرده و تحت عناوین مختلف "قلیه مزدوران اجانب که در لباس کارگران در کارخانجات اغلال میکنند" اعلامیه صادر میکنند و باز بی دلیل نیست که مقامات ریز و درشت رژیم نقش ارزنده ای از انجمنهای اسلامی را بجا طر آورده و زمینه را برای سرکوب وسیع و سرتاسری اعتراضات کارگران زحمتکش علیه فقر و بیخانمانی روزافزون فراهم میکنند .

و حشت از او بگیری دامنه اعتراضات کارگری آنچنان سردمداران رژیم را هراسان کرد است که علاوه بر تدارک استادهای همجانیه اصلاح سرکوب آنها را بجان یکدیگر انداخته و به دعوی برای یافتن "مقصر اصلی" دامن زده است . در کمیسیون صنایع مجلس بحث بر سر این بوده است که سا زمان صنایع ملی به صنایع مملکت لطمه می رسد و وظایفش را بخوبی انجام نداده است . به همین دلیل صنایع خود ریسازی را که تحت پوشش سا زمان صنایع ملی بود از نظر ارت این سا زمان خارج کرده و تحت اختیار سا زمان گسترش و توسعه صنایع قرار داد ماند از طرف دیگر وزیر کار طی بخشنامه ای انتخابات جدید برای شوراهای اسلامی کارخانجات

را موکل به دخالت و نظارت وزارت کار کرده و عملا آنها را بلا موضوع اعلام کرده است . باید توجه داشت که کارگران زحمتکش میهن ما را زمانی بیگاری و فقر شهید میکند که نمایندگان رژیم با دست و دلبازی بی نظیری میلیاردها دلار سرمایه های متعلق به زحمتکشان را در دستی تقدیم کمپانیهای غارتگر خارجی کرده و به تاراج میدهند واحدهای تولیدی در حالی که بهانه ای کمبود ارز به تعطیل گشائنده میشوند که بنا به اقرار نمایندگان رژیم تمام ادعاهای این کمپانیها طبق قرارداد تنگن الجزایر باید تا دینار آخر تحویل آنها گردد . سردمداران بی مایه و عوامفریب رژیم که زمانسی خیمه شب بازی "گروگانگیری" را برای تسویه حساب های درونی خود و همچنین سرکوب کلمه مبارزات حق طلبانه مردم براه انداختند ، اکنون در موقعی که منافع کمپانیهای خارجی در خطر بود ، آنچنان از حول حلیم تنوی دیگ افتادند که تمام عوامفریبیهای گذشته را فراموش کرده و ضمن آزاد کردن گروگانها بخش اعظم داراییهای ایران را نیز تقدیم آنها کردند . اما چه باک ، دست غیب "بارد یگره کمک آنها شافت و این بار جنگ و رژیم ارتجاعی ایران و عراق مستسکی برای فریبشده شد .

هر روز میلیونها دلار از ذخایر ارزی به مصرف خرید جنگ افزار برای ادامه ای جنگ ارتجاعی میرسد و میلیونها تن از زحمتکشان آواره کشور را در فقر و گرسنگی بسر میبرند و بسا این همه رژیم از "خیبرات جنگ" دم میزنند . چگونه است که رژیم مدعی مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم ارز برای خرید لوازم جنگی از اسرائیل و قاچاقچیان بین المللی دارد ولی جایکه پای منافع زحمتکشان و تأمین حداقل معیشت برای آنان در بین است حتی فراموش میکند که قبل از تصمیم گیری در مورد وضعیت کارخانجات به آینده ای صدها هزار کارگری که بیگار خواهند شد ، بینهد پشد .

اکنون با گذشت نزدیک به سه سال از حاکمیت سیاه ارتجاع کارگران نیز در کنار سایر زحمتکشان به ماهیت این رژیم قرون وسطایی پی برده و دیگر فریب شعارهای تو خالی را نخواهند خورد . رژیم آخوندی خیلی زود عمق عداوت و دشمنی خود با زحمتکشان را آشکار کرده و خود نیسز دریافته است که با وده و بید نخواهد توانست با مسیح روزافزون مبارزات کارگری به مقابله برخیزد . اخراج گروهی کارگران پیشرو و انقلابی از کارخانجات که از مدتی پیش آغاز شده بود ، هنوز با شدت ادامه دارد و کوچکترین صدای اعتراضی توسط پاسداران سرمایه پاسخی مرکبار می یابد . اما آیا این همه برای بقای این رژیم پوسیده کافی است ؟

ماهیهای آینده میتواند آزمون عبرت آموزی برای این مرتجعین و پسرگرا باشد . آزمونیکه در آن پرچم سرخ مبارزات کارگری راهنا خواهد بود .

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان ، حامی سرمایه دار